

دختر او، الیزابت، با یکی از کارکنان سفارت اتحاد شوروی در رم به نام ایوان مارکوف^۱ ازدواج کرد و تابعیت شوروی را گرفت. آنها در بحبوحه ترور بزرگ، در سال ۱۹۳۷ به اتحاد شوروی رفتند. مارکوف دستگیر و تیرباران شد. به فاصله‌ای اندک، الیزابت را نیز به گولاگ فرستادند. پس از کنگره بیستم از الیزابت اعاده حیثیت کردند و وی برای زندگی به سوچی در ساحل دریای سیاه رفت. او در آنجا در کلبه‌ای چوبی می‌زیست تا آنکه اداره بایگانی گورکی ترتیبی داد که آپارتمانی کوچک به او واگذار کنند. پسر ارشد وی در سانحه رانندگی کشته شد و پسر کوچکش که به افتخار گورکی آلکسی نامیده می‌شود روزنامه‌نگار است و در مسکو اقامت دارد.

الکساندر تیخونوف از ترور بزرگ جان سالم به در برد. او برای چند مؤسسه انتشاراتی کارکرد و کتاب کوچکی از خاطراتش را تحت عنوان زمان و انسانها (با نام مستعار ا. سربروف) به چاپ رسانید. برخی از فصلهای این کتاب بسیار جذاب است اما از اطلاعات راستین در آن اثری نیست. با وجود این، الکساندر تیخونوف چیزهای زیادی می‌دانست و در وقایعی بسیار هیجان‌انگیز مشارکت داشت. او این‌گونه مطالب را در دفتری دیگر که در کشوی مخفی میزش نگاهداری می‌کرد، ثبت کرده بود. این دفتر روزی از کشوی مخفی غیبش زد و تیخونوف دیگر هرگز آن را ندید. احتمال آن وجود دارد که این دفتر در بایگانی لوبیانکا حفظ شده باشد. تیخونوف مفلوج که رابطه‌اش را با واروارا و نینا کاملاً قطع کرده بود در سال ۱۹۵۶ درگذشت. او هنگام مرگ هفتاد و هفت سال داشت.

والنتینا خداسویچ دکوراتوری ورزیده و معروف شد. او برای بسیاری از تئاترهای مسکو و لنینگراد کارکرد و در سال ۱۹۷۰ به سن هفتاد و شش سالگی درگذشت. شوهر او، دیدی - آندره‌ی رومانوویچ دیدریکز - که از دوستان نزدیک گورکی به شمار می‌رفت، در سال ۱۹۴۲ در تاشکند درگذشته بود. والنتینا پس از وی با ویکتور باسوف نقاش که جزو دوستان خانواده بود، ازدواج کرد. اما او نیز پس از چهار سال والنتینا را ترک کرد و به دیار باقی شتافت.

«بلبل» - ایوان نیکولایویچ راکیتسکی - که از سال ۱۹۱۹ به نوعی عضو

1. Markov.

کامل خانواده گورکی به شمار می‌رفت، هیچ‌گاه این خانواده را ترک نکرد. او در سال ۱۹۴۲ به سن پنجاه و نه سالگی درگذشت.

پس از مرگ گورکی، گنیش یاگودا به افتخار دریافت مجوز اقامت در یکی از آپارتمانهای کرملین نایل آمد که امتیازی عظیم به شمار می‌رفت. یاگودا بلافاصله آپارتمانی را که برایش در خیابان میلیوتین ساخته بودند، تخلیه و به کرملین اسباب‌کشی کرد. او از آن زمان به لحظه‌شماری برای اعلام عضویتش در پولیتبورو پرداخت زیرا استالین به وی گفته بود که این امر قریب‌الوقوع است. استالین که روز پیش از گشایش دادگاه زینوویف و کامنف، برای گذراندن تعطیلات عازم سفر بود به یاگودا گفته بود: «شما کاملاً لیاقتش را دارید.» اما یاگودا لیاقت چیزی دیگر را داشت. استالین طی تلگرامی از سوچی، یاگودا را برکنار و یژوف را به جای او منصوب کرد. یاگودا دو روز پیش از مفضوب شدن، مبلغ چهارصد لیره استرلینگ توسط کریوچکوف به مورا تحویل داده بود. این موضوع نشان می‌دهد که مورا دست کم تا پایان سپتامبر ۱۹۳۶ در مسکو بوده و به «مرتب کردن» بایگانی گورکی اشتغال داشته است.

یاگودا در ۱۳ مارس ۱۹۳۸ به مرگ محکوم و طبق اعلام بیانیه‌ای رسمی دو روز بعد اعدام شد. اما زیمین^۱، رئیس زندان لفورتوو^۲ که خود بعدها دستگیر شد و تا زمان گشایش خروشچفنی در گولاگ به سر برد، در سال ۱۹۵۶ به بازپرسها گفت که یاگودا دست کم تا ۳۱ ژانویه ۱۹۳۹ (روزی که زیمین را در دفتر کارش دستگیر کردند) در سلولی مخفی زندانی بود. در زندان از این سلول نه با نام یاگودا که فقط با شماره ۱۰۲ یاد می‌کردند. به گفته زیمین، یژوف و مالنکوف گاهی به ملاقات یاگودا می‌رفتند. هرچند همه دفاتر ثبت زندانها حفظ شده‌اند، اما تا به حال هیچ کس به بررسی صحت و سقم این ماجرای شگفت‌انگیز نپرداخته است زیرا بایگانیهای کنگب هنوز هم برای این بررسی در اختیار کسی قرار نگرفته است. برخلاف آنچه در مورد همه محکومان محاکمه‌های بزرگ صورت گرفته، از یاگودا اعاده حیثیت نشده است. البته محکومیت وی نه به جرم بازداشت و قتل افراد بی‌گناه - جرم واقعی او - که به جرم جاسوسی و دیگر جرایم جعلی معمول در محاکمه‌های بزرگ صورت گرفت. شاید محکومیت

1. Zimine.

2. Lefortovo.

وی فقط در ظاهر ناموجه بود، زیرا اتهام اصلی وی دایر بر قتل گورکی و ماکس (بدون احتساب قتل دیگران) احتمالاً بی‌اساس نبود. با این وصف، این اتهام مانع از اعاده حیثیت کریوچکوف نشد. به همین علت، جستجوی هر نوع منطق در تصمیمات دادگستری شوروی اقدامی است که جز شکست حاصلی نخواهد داشت.

موتیا - ماتوی ساموییلوویچ پوگرینسکی - که در زمان حیات گورکی به ریاست گپتو در منطقه‌ای به نام گورکی رسیده بود، پس از دستگیر شدن یاگودا در بهار ۱۹۳۷ منتظر نشد که مأموران به سراغش بروند و فوراً خودکشی کرد. او هنگام مرگ چهل و دو ساله بود. پوگرینسکی پیش از اجرای عدالت در مورد خویش یادداشتی برای استالین نوشت: «من با دستی جنایتکاران غیرسیاسی را به شهروندان نمونه تبدیل می‌کردم و با دست دیگر ناچار بدم برای پیروی از انضباط حزبی، برچسب جنایتکار غیرسیاسی را به سینه شریفترین مبارزان جنبش انقلابی کشورمان نصب کنم.» پوگرینسکی را پس از مرگ «دشمن خلق» اعلام کردند، اما در سال ۱۹۵۶ از وی اعاده حیثیت شد.

پروفسور دمیتری پلتنف را سه هفته پیش از ورود ارتش آلمان به شهر اورل، به طور پنهانی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۱ در بیشه‌ای نزدیک این شهر اعدام کردند. اعدام وی به دستور بریا و با تأیید استالین صورت گرفت. همان روز و همان‌جا، یکصد و پنجاه و شش نفر از جمله اولگا کامنوا اعدام شدند. نام دمیتری پلتنف را که از بزرگترین متخصصان قلب در قرن بیستم در روسیه بود، امروزه بر بیمارستانها و سایر مؤسسات پزشکی این کشور نهاده‌اند.

غریبها به روایت بریگیت گوئرلاند^۱، سوسیالیست آلمانی بیش از حد اعتماد کرده‌اند که مدتی در گولاگ زندانی بود. او پس از آنکه توانست اتحاد شوروی را ترک کند، گفت در یکی از اردوگاهها با پروفسور پلتنف که به بیست و پنج سال حبس محکوم شده بود، ملاقات کرده است. پلتنف به وی اطلاع داد که گورکی را با شوکولاتهایی مسموم کرده بودند که در آزمایشگاههای انکود ساخته شده بود. این داستان در واقع یکی از دروغهای شاخدار لوبیانکاست که

1. Brigitte Guerland.

هدف از آن نه مسخ اطلاعات مربوط به مرگ گورکی که انتشار اخبار دروغین مبنی بر وضعیت عالی زندگی پلتنف در اردوگاه بود. روایت‌های بی‌شماری از افرادی نقل شده است که در گولاگ با اشخاص مشهور اعدام شده ملاقات کرده و این خبر خوب را به خانواده‌های آنان اطلاع داده‌اند.

میخائیل کولتسوف در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۸ دستگیر و در ۲ فوریه ۱۹۴۰ تیرباران شد. قرار بود وی یکی از متهمان اصلی «محاكمه دیپلماتها» باشد، اما این محاكمه برگزار نشد و روزنامه‌نگار شماره یک اتحاد شوروی را مخفیانه محکوم و اعدام کردند.

پس از مرگ گورکی، مسئولیت «پیشوایی ادبیات شوروی» را به عهده آلکسی تولستوی نهادند. تولستوی که به عضویت فرهنگستان درآمده و در افتخارات مختلف غرق‌گشته بود، به سعادت سکونت در بخشی از کاخ نیکیتسکایا نیز نایل آمد. استالین با لحنی دوستانه او را «کنت شوروی» خطاب می‌کرد. تولستوی در برنامه‌های مختلف استالین شرکت داشت. به طور مثال، او عضو کمیسیونی بود که «ثابت و تأیید کرد» که افسران لهستانی را در کاتین^۱ نازیها قتل عام کرده بودند نه جلاذان لوییانکا. تیموشا و لودمیلا ایلینشنا، همسر جوان تولستوی با یکدیگر دوست شدند و اغلب سرمیز غذای شاهانه تولستوی در بارویخا^۲ کنار هم بودند. تولستوی نیز همچون اعضای دولت شوروی ویلایی مجلل در این منطقه دریافت کرده بود. در خانه تولستوی همیشه به روی نامدارترین موسیقیدانان، هنرمندان، نویسندگان و نیز «اشخاص به دردخور» گشوده بود. آلکسی تولستوی اندکی پیش از پایان جنگ در سال ۱۹۴۵ درگذشت. او هنگام مرگ شصت و سه ساله بود. او هنوز در هیأتی برنزی در برابر «خانه کوچکش» باقی مانده است. برخی از کتابهای آلکسی تولستوی که از قریحه‌ای راستین حکایت دارند هنوز نیز خواندنی هستند.

آلکسی اسپرانسکی از قتل عام جان به در برد و به فعالیت‌هایی برجسته و مهم پرداخت. البته طرحهای جاه‌طلبانه وی برای «افزایش عمر انسان» و تولید دارویی معجزه‌گر برای درمان همه بیماریها چیزی جز گزافه‌گویی نبود. با این همه، او در سال ۱۹۳۹ به عضویت فرهنگستان درآمد. مؤسسه پزشکی تجربی

1. Katyn.

2. Barvikha.

که فرزند محبوب گورکی به شمار می‌رفت، بی‌سر و صدا در سال ۱۹۴۴ بسته شد و فرهنگستان پزشکی جای آن را گرفت. بدیهی است که اسپرانسکی هم درست پس از ورود به حزب محبوب، به عضویت این فرهنگستان برگزیده شد. او در سال ۱۹۶۱ به سن هفتاد و سه سالگی درگذشت.

در بحبوحه کنگره بیستم در سال ۱۹۵۷ اقدامی آزمایشی برای کاستن از شمار موارد انتساب نام «گورکی» بر آبادیها، خیابانها، کارخانه‌ها، تئاترها و پارکها صورت گرفت. ساکنان گورکی از کرملین خواستند نام قدیمی شهرشان، نیژنی - نووگورود به آن بازگردانده شود. اما «مهندسان روح» - لقبی که استالین به نویسندگان داده بود - برآشفتمند و از خروشچف خواستند که «نام جهانگیر، پُران و درخشان گورکی» را حفظ کند. در این خیزش زیبا، قلم به دستان چهل پرستی چون کوچتوف^۱ یهودستیز و کوژفنیکوف^۲ عامل لوبیانکا با مردانی شرافتمند و فسادناپذیر چون کورنی چوکوفسکی و الکساندر تواردوفسکی^۳ همراه شدند. هنوز چهل سال دیگر باید سپری می‌شد تا نیژنی - نووگورود نام تاریخی خود را بازیابد و نام گورکی به تدریج از روی نقشه‌های جغرافی محو شود. نام گورکی در مسکو فقط روی یکی از شعبه‌های تئاتر هنر و روی پارک مرکزی فرهنگ و استراحت که پاتوق پیشکسوتان حزب کمونیست است، باقی مانده است. مجسمه گورکی نیز هنوز جلوی ایستگاه راه‌آهن بیلوروسی برافراشته است. روی پایه مجسمه او این عبارت با معنا حک شده است: «ادای احترام از دولت شوروی». افزون بر آنچه رفت بسی فرضیه، روایت، افسانه، شایعه، شهادت معتبر یا جعلی، خاطرات راستین یا مشکوک و خلاصه انبوهی فزاینده از اطلاعات در مورد گورکی وجود دارد که کنجکاوی برای شناختن این چهره بسیار تراژیک ادبیات روسیه را دامن می‌زند. گورکی به رغم قریحه فوق‌العاده‌اش، به جای ادبیات به خدمت سیاست درآمد که جزو فروافتادن در دام ماکیاولیستهای کرملین و لوبیانکا حاصلی در پی نداشت. او برخلاف میلیونها نفر از قربانیان ترور بزرگ، آزادانه به سوی قتلگاه گام برداشت. عزیمت آگاهانه به قتلگاه، تراژدی گورکی بود و نیز توجیهی برای وی در پیشگاه نسلهایی که این جمله قصار و حشیانه‌اش را از یاد نخواهند برد: «اگر دشمن تسلیم نشود، نابودش می‌کنیم.»

1. Kotchetov.

2. Kojevnikov.

3. Tvardovski.

شرح حال مختصر شخصیت‌ها

آداموویچ ، گتورگی ویکتوروویچ (۱۹۷۲ - ۱۸۹۲)، شاعر، مقاله‌نویس و منتقد. در سال ۱۹۲۳ از روسیه مهاجرت کرد و تقریباً بلافاصله به "منتقد شماره یک مهاجران" شهرت یافت. در فرانسه زیست و در همانجا درگذشت.

آگرانوف ، یاکوف سائولوویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۹۳)، در زمان لنین دبیر شورای کمیسرهای خلق (سوونارکوم) و دبیر "سوونارکوم کوچک"، شورای محدود اعضای دولت، که مهم‌ترین تصمیمات حکومتی را اتخاذ می‌کرد، بود. سپس تا آخر عمر دارای مسؤلیت‌هایی در گپشو - انکود بود. به سمت معاون کمیسر خلق (در زمان یاگودا) رسید و نزدیک‌ترین مسؤل لوبیانکا به استالین بود. دوست مایاکوفسکی و بسیاری از روشنفکران بود. تیرباران شد.

آلدانوف (لاندو) ، مارک الکساندروویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۸۶)، نویسنده چندین رمان به ویژه رمان‌های تاریخی. در سال ۱۹۱۹ مهاجرت کرد.

آمفیثاتروف ، الکساندر والتینوویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۶۲)، نویسنده و روزنامه‌نگار. مقالاتش در روسیه پیش از انقلاب بسیار پرطرفدار بود. در سال ۱۹۲۱ مهاجرت کرد.

آندره‌یف ، لئونید نیکولایوویچ (۱۹۱۹ - ۱۸۷۱)، رمان‌نویس، نمایشنامه‌نویس "محفل گورکی" در اوایل قرن. در فنلاند درگذشت.

آننکوف ، یوری پاولوویچ (۱۹۷۴ - ۱۸۸۹)، نقاش و طراح، نویسنده رمان‌ها و داستان‌هایی که تحت نام مستعار تمریازف منتشر شده است. در سال ۱۹۲۴ مهاجرت کرد و از آن پس به کار دکوراتوری تئاتر نیز مشغول شد. دو کتاب خاطرات تحت عنوان یادداشت ملاقات‌هایم از خود برجای نهاده است. در پاریس زیست و همانجا فوت کرد.

آروسف ، الکساندر یاکوفلوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۹۰)، در سال ۱۹۰۷ به حزب بلشویک وارد شد. او نویسنده، دیپلمات و رئیس *VOKS* (انجمن روابط فرهنگی با خارج) بود. رومن رولان پس از خواندن خبر بازداشت آروسف در نشریات مهاجران روس تلاش کرد وی را نجات دهد. چون گورکی دیگر در قید حیات نبود رولان مستقیماً نامه‌ای برای استالین

فرستاد: "آرو سف همیشه نسبت به شما وفاداری و تعهدی کامل ابراز می‌کرد. او با محبت و غرور از شما صحبت می‌کرد". استالین این نامه رولان را که در تاریخ ۴ اوت ۱۹۳۷ نوشته شده بود مانند همه نامه‌های دیگر وی بی‌پاسخ گذارد. آرو سف ۴۸ ساله در ۹ فوریه ۱۹۳۸ اعدام شد.

آفدینکو، الکساندر اوستاپوویچ (۱۹۹۶ - ۱۹۰۸)، نویسنده، برخاسته از گروه جوانان بزه‌کار موسوم به "ولگردها". ابتدا یکی از امیدهای ادبیات شوروی به‌شمار می‌رفت اما استالین وی را کنار نهاد. نویسنده‌ای پرکار نبود و در هیچ مبارزه سیاسی‌ای وارد نشد.

آفرباخ، لئوپولد لئونیدوویچ (۱۹۳۹ - ۱۹۰۳)، منتقد و روزنامه‌نگار. چند مجله ادبی را به‌راه انداخت. دبیرکل اتحادیه بسیار چپ‌گرای "نویسندگان پرولتاریای روسیه" (RAPP)، برادر زن و همکار یاگودا، رئیس آن‌کود بود. تیرباران شد.

بابل، ایساک امانوویلوویچ (۱۹۴۷ - ۱۸۵۷)، نویسنده. در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۸ دستگیر و در ۲۷ ژانویه ۱۹۴۰ تیرباران شد.

باخ، آلکسی نیکولایوویچ (۱۹۴۷ - ۱۸۵۷)، عضو گروه انقلابی "آزادی خلق"، برای گریز از پلیس تزاری مهاجرت کرد و سی‌ودو سال در تبعید در خارج به سر برد (از ۱۸۸۵ تا ۱۹۱۷). در سال ۱۹۲۹ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. بنیانگذار بیوشیمی شوروی به‌شمار می‌رود. ریاست اتحادیه دانشمندان و تکنسین‌ها برای کمک به استقرار سوسیالیسم را به عهده داشت که شامل دانشمندانی بود که عضو حزب نبودند اما برای کمک به بلشویسم فراخوانده شده بودند.

بالمونت، کنستانتین دمتریوویچ (۱۹۴۲ - ۱۸۶۷)، شاعر سمبولیست. در سال ۱۹۲۰ مهاجرت کرد. در پاریس زیست و همانجا درگذشت.

بیلیس، مندل (۱۹۳۴ - ۱۸۷۳)، کارمند کارخانه در کی‌یف. به ارتکاب قتل متهم شد و در سال ۱۹۱۳ در دادگاهی آشکارا فرمایشی که برای دامن زدن به یهودستیزی برپا شده بود، مورد محاکمه قرار گرفت. پس از تبرئه شدن در دادگاه به امریکا مهاجرت کرد.

بنوا، الکساندر نیکولایوویچ (۱۹۶۰ - ۱۸۷۰)، نقاش، منتقد، مورخ هنری. همراه با دیاقیلف انجمن هنری "جهان هنر" را بنیاد نهاد. در سال ۱۹۲۶ به فرانسه مهاجرت کرد.

بردیا یف، نیکولای الکساندروویچ (۱۹۴۸ - ۱۸۷۴)، فیلسوف مذهبی. لنین در سال ۱۹۲۲ او را اخراج کرد. مؤسس و مدیر نشریه فلسفی پوت ("راه") که از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ در پاریس منتشر می‌شد.

بریا، لاورنتی پاولوویچ (۱۹۵۳ - ۱۸۹۹)، رئیس پلیس سیاسی از سال ۱۹۳۸، وزیر کشور (۱۹۴۵ - ۱۹۴۲)، معاون رئیس شورای وزیران (۱۹۵۳ - ۱۹۴۵)، وزیر کشور از

مارس تا ژوئن ۱۹۵۳. در دسامبر ۱۹۵۳ بازداشت و اعدام شد.
بونچ - برویویچ، ولادیمیر دمیتریویچ (۱۸۷۳ - ۱۹۵۵)، مارکسیست، بلشویک، رئیس اجرایی شورای کمیسرهای خلق در عهد لنین. به علت بی‌کفایتی کامل برکنار شد. رئیس موزه تاریخ مذاهب و الحاد، و بعد رئیس موزه ادبیات. چاکرمنش و خشک‌اندیش.
بویونوف، آندره سرگیویچ (۱۸۸۴ - ۱۹۳۸)، در ۱۹۰۳ به حزب بلشویک پیوست. هنگام کودتای اکتبر ۱۹۱۷ عضو پولیتبورو و کمیته نظامی - انقلابی پتروگراد بود. کمیسر خلق در آموزش عمومی از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷. تیرباران شد.

بودیونی، سمیون میخائیلوویچ (۱۸۸۳ - ۱۹۷۳)، قزاق بی‌سواد، لقب "قهرمان جنگ داخلی" را دریافت کرد. لشکر معروف "سواره نظام سرخ" را فرماندهی کرد. یکی از پنج نفری که برای نخستین بار درجه مارشال شوروی را دریافت کردند (۱۹۳۵). معاون کمیسر خلق در دفاع و فرمانده بخشی از نیروهای شوروی در جنگ علیه آلمان نازی. "فرماندهی" او به بهای جان هزاران سرباز شوروی تمام شد. استالین او را برکنار کرد اما از موج سرکوبی مصون ماند و عناوین و مدال‌هایش را حفظ کرد.

بوخارین، نیکولای ایوانوویچ (۱۸۸۸ - ۱۹۳۸)، در ۱۹۰۶ به حزب بلشویک ملحق شد. رهبر "کمونیست‌های چپ" از ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۸. در ۱۹۲۹ به عضویت فرهنگستان انتخاب شد. لنین در وصیت‌نامه سیاسی‌اش وی را "فرزند عزیز حزب" خواند. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو و رئیس کومیترون از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹. علیه زیاده‌روی‌ها در اشتراکی‌سازی اجباری کشاورزی و صنعتی‌سازی مفرط به‌پا خاست. مدیر روزنامه ایزوستیا (۱۹۳۷ - ۱۹۳۴)، یکی از متهمان اصلی در سومین محاکمه بزرگ مسکو. به مرگ محکوم و تیرباران شد.

بولگاکوف، میخائیل آفاناسیویچ (۱۸۹۱ - ۱۹۴۰)، نویسنده‌ای که عمده‌ترین آثارش (استاد و مارگریت، رمانی نمایشی) تا دهه ۶۰ منتشر نشده مانده بود. تئاتر هنر نمایشنامه روزهای توربین (اقتباسی از رمان نگهبان سفید او) وی را روی صحنه برد. استالین این نمایش را پسندید و چند بار به تماشای آن رفت.

بولگاکوف، سرگئی نیکولایویچ (۱۸۷۱ - ۱۹۴۴)، اقتصاددان، فیلسوف، دانشمند علوم الهی. در سال ۱۹۲۳ مهاجرت کرد. در پاریس رئیس مؤسسه الهیات سن - سرژ بود و در همانجا درگذشت.

بونین، ایوان آلکسیویچ (۱۸۷۰ - ۱۹۵۳)، شاعر و رمان‌نویس. عضو افتخاری فرهنگستان در سال ۱۹۰۹. در ۱۹۲۰ مهاجرت کرد. در فرانسه زیست و مُرد. جایزه نوبل را در سال ۱۹۳۳ دریافت کرد.

شالیاپین ، فنودور ایوانوویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۷۳)، خواننده مشهور. یکی از نخستین کسانی بود که عنوان هنرمند خلق را از حکومت شوروی دریافت کردند. با وجود این وی از پیوستن به حزب خودداری و در سال ۱۹۲۲ مهاجرت کرد. تا دهه ۵۰ وارد کردن صفحات آواز شالیاپین به شوروی ممنوع و گوش دادن به آوازهای قدیمی وی جرم بود.

شختل ، فدور اوسپوویچ (۱۹۲۶ - ۱۸۵۹)، آرشیکت سبک "پایان قرن". آثار عمده اش عبارتند از: ایستگاه راه آهن یاروسلاول در مسکو، تئاتر هنر و کاخ ریابوشینسکی تاجر که به اقامتگاه گورکی تبدیل شد.

شکاپا ، ایلیا ساسونوویچ (متولد ۱۸۹۸)، "پارتیزان سرخ" طی جنگ داخلی. هنگام نخستین اقامت گورکی در سال ۱۹۲۸ در شوروی، با وی آشنا شد. گورکی او را به مدیریت نشریه دستاوردهای ما منصوب کرد و ترتیبی داد تا به اروپای غربی سفر کند (۱۹۳۲). بیش از بیست سال در گولاگ گذراند.

شکلوفسکی ، ویکتور بوریسوویچ (۱۹۸۴ - ۱۸۹۳)، مقاله نویس، منتقد، مؤلف چند زندگی نامه و فیلم نامه. پس از ۱۹۱۷ به برلین مهاجرت کرد و در سال ۱۹۲۳ از نخستین کسانی بود که از برلین به شوروی بازگشتند. دوست مایاکوفسکی، میرهولد و آیزنشتاین. همیشه تحت نظر پلیس بود اما از سرکوبی ها مصون ماند.

شچرباکوف ، الکساندر سرگیویچ (۱۹۴۵ - ۱۹۰۱)، در سال ۱۹۱۸ به حزب پیوست. جانشین چند تن از مسؤولانی شد که استالین نابودشان کرد. یکی از نظریه پردازان حزب بود. عضو کمیته مرکزی، کمیته مسکو و عضو علی البدل پولیتبورو. معاون تبلیغات کمیسر دفاع طی جنگ. یک روز پس از خاتمه جنگ درگذشت (۱۰ مه ۱۹۴۵).

شورنیک ، نیکولای میخاییلویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۸۸)، در سال ۱۹۰۵ به حزب بلشویک پیوست. از نزدیکان به استالین، عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو و رئیس اتحادیه های شوروی.

دوبوژینسکی ، ستیلاو والریانوویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۷۵)، نقاش و طراح صحنه تئاتر. عضو "جهان هنر". ابتدا به لیتوانی مهاجرت کرد و سپس به بریتانیا و از آنجا به امریکا رفت.

دوبروین (بارابیچیک) ، عیسای الکساندروویچ (۱۹۵۳ - ۱۸۹۱)، نوازنده پیانو، رهبر ارکستر، آهنگساز. مدرّس چند کنسرواتوار. در سال ۱۹۲۳ مهاجرت کرد.

دورنوو ، نیکولای نیکولایویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۷۶)، زبان شناس، عضو رابط فرهنگستان علوم شوروی. تیرباران شد.

داوگالفسکی ، والرین ساولیویچ (۱۹۳۴ - ۱۸۸۵)، در سال ۱۹۰۸ به حزب بلشویک

وارد شد. از سال ۱۹۲۴ سفیر در ژاپن، در سوئد و در فرانسه. در ۱۹۳۲ پیمان عدم تجاوز بین فرانسه و شوروی را امضا کرد. با افتخار تمام در میدان سرخ مسکو دفن شد.

دیینکو، پاول افیموویچ (۱۸۸۹ - ۱۹۳۸)، در ۱۹۱۲ به حزب بلشویک پیوست. عضو نخستین دولت شوروی. یکی از فرماندهان ارتش سرخ طی جنگ داخلی بود و سپس فرماندهی مناطق نظامی مختلفی را عهده‌دار شد. شوهر الکساندرا کولونتای از ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲. تیرباران شد.

جرژینسکی، فلیکس ادموندوویچ (۱۸۷۷ - ۱۹۲۶)، عضو جنبش انقلابی روسیه و لهستان. بلشویک. عضو کمیته مرکزی از پیش از انقلاب تا هنگام مرگ. بنیانگذار و اولین رئیس دستگاه سرکوبگری شوروی (چکا، بعد گپتو). کمیسر داخلی خلق، کمیسر خلق در راه‌های ارتباطی، رئیس شورای عالی اقتصاد ملی.

فادایف، الکساندر الکساندروویچ (۱۹۰۱ - ۱۹۵۶)، نویسنده، در سال ۱۹۱۸ وارد حزب شد. یکی از رهبران اتحادیه نویسندگان پرولتاریایی، بعد دبیرکل اتحادیه نویسندگان. محبوب استالین. بازداشت نویسندگان را مطیعانه مورد تأیید قرار می‌داد. او که از دهه ۳۰ دچار فقدان خلاقیت شده بود، دیگر چیزی جز رمانی سراسر دروغ به نام نگهبان جوان نوشت که آن را هم به ناچار به دستور استالین چندبار بازنویسی کرد. در آوریل ۱۹۵۶ خودکشی کرد و از خود نامه‌ای به جا گذاشت که مضمون آن در سال ۱۹۹۰ افشا شد. مضمون این نامه نشانگر آن است که خودکشی وی بیشتر نوعی اعتراض به سیاست استالین‌زدایی خروشچف بوده تا معلول عذاب وجدان پرگناهش.

فدروف، لو نیکولایویچ (۱۸۹۱ - ۱۹۵۲)، متخصص فیزیولوژی، شاگرد پاولوف. عضو حزب بلشویک از سال ۱۹۲۰. به ریاست مؤسسه پزشکی تجربی رسید که به پیشنهاد گورکی تأسیس شده بود (۱۹۳۸ - ۱۹۳۲).

فدوروف، سرگئی پتروویچ، اورولوگ برجسته، استاد فرهنگستان نظامی بهداشت در سنت - پترزبورگ. در عهد لنین بازداشت شد اما استالین مدال لنین را به‌وی اعطا کرد.

فرسمان، الکساندر یوگینویچ (۱۸۸۳ - ۱۹۴۵)، ژئوشیمیست و کانی‌شناس. در سال ۱۹۱۹ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد.

فیگنر، ورا نیکولایونا (۱۸۵۲ - ۱۹۴۲)، عضو هیأت رئیسه حزب انقلابی آزادی خلق. در اقداماتی برای ترور الکساندر دوم مشارکت داشت. در ۱۸۸۴ به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم شد و بیست سال در دژ شلیسلبورگ زندانی بود. بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۵ در تبعید زیست. پس از بازگشت به روسیه از فعالیت سیاسی کاملاً دست کشید و فقط به‌طور تشریفاتی ریاست صلیب سرخ سیاسی را عهده‌دار بود.

فرانک ، سمیون لودویگویچ (۱۹۵۰ - ۱۸۷۷)، فیلسوف مذهبی. مدتی "مارکسیست مشروع" بود اما بعد سوسیالیسم را به عنوان پایین ترین درجه خردگرایی اجتماعی رد کرد. لنین وی را در سال ۱۹۲۲ از کشور راند.

فرونز ، میخائیل واسیلیویچ (۱۹۲۵ - ۱۸۸۵)، در سال ۱۹۰۴ به حزب بلشویک پیوست. چند اعتصاب بزرگ به راه انداخت. دو دفعه در دادگاه های تزاری به مرگ محکوم شد و از زندان گریخت. طی جنگ داخلی جزو فرماندهان ارتش سرخ بود. جانشین تروتسکی در سمت کمیسر خلق برای ارتش و نیروی دریایی شد (۱۹۲۵). عضو علی البدل پولیتبورو. او را جانشین بالقوه برای استالین در سمت دبیرکل حزب به شمار می آوردند. طی یک عمل جراحی که بر او تحمیل شد و بعدها بی فایده بودن آن معلوم گشت، از پای درآمد. مرگ مرموز فرونز موضوع کتابی از بوریس پیلنیاک به نام تاریخچه ماه خاموش ناشده قرار گرفت.

گانتسکی (فورستبرگ) ، یاکوف استانسلاویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۷۹)، مبارز انقلابی در روسیه و در چند کشور اروپایی. عضو حزب بلشویک از بدو تأسیس آن. عضو کمیته مرکزی در خارج بود و مأموریت های محرمانه برای لنین انجام می داد. او جزو کسانی بود که بازگشت لنین و چند بلشویک دیگر را از سویس به روسیه با واگن مهروموم شده در آوریل ۱۹۱۷ سازمان دهی کردند. در مذاکراتی نقش داشت که طی آن آلمانی ها با پول خود به بلشویک ها در انجام کودتایشان و خارج کردن روسیه از جنگ جهانی کمک کردند. در چند کمیساریای خلق مانند مالیه، تجارت خارجی و امور خارجه کار کرد. او در سال ۱۹۳۵ به ریاست موزه انقلاب منصوب گشت. تیرباران شد.

گلاذنف (زاکس) ، ساموییل مارکوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۴)، تا اکتبر ۱۹۱۷ در شرکت صادرات - واردات گانتسکی - پارووس کار می کرد که مأموریتش تأمین هزینه های حزب بلشویک بود. کمک های مالی آلمان برای سرنگونی حکومت تزاری و بعد حکومت موقت توسط همین شخص انتقال می یافت. در فاصله ۱۹۲۰ - ۱۹۱۸ در آلمان مخفی شد. بعداً به سمت مشاور در سوونارکوم (شورای کمیسرهای خلق) برای امور ادبی و هنری تعیین شد. به جناح مخالفان زینوویفی (موسوم به "جدید") پیوست. در ۱۹۳۵ از حزب اخراج شد. در ۱۹۳۶ دستگیر و در ۱۹۳۷ اعدام شد.

گلازونوف ، الکساندر کنستانتینویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۶۵)، آهنگساز و رهبر ارکستر، رئیس هنرکده موسیقی سنت - پترزبورگ (سپس لنینگراد) از ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۸. در ۱۹۲۸ به عنوان داور یک مسابقه بین المللی پیانو به وین رفت و از بازگشت خودداری کرد. در پاریس زیست و همانجا درگذشت.

گرینبرگ ، زاخار گریگوریویچ (۱۹۴۹ - ۱۸۸۹)، عضو هیأت رئیسه کمیساریا در آموزش عمومی. پس از نقل مکان لوناچارسکی به مسکو، به ریاست اداره آموزش پتروگراد رسید (۱۹۱۹). زینوویف وی را برکنار کرد و احتمالاً همین امر موجب مصون ماندن او از سرکوبی‌های استالینی شد. بعداً سمت‌هایی را در موزه تاریخ، دانشگاه مسکو و مؤسسه ادبیات جهانی عهده‌دار شد.

گرژبین ، زینووی عیسایویچ (۱۹۲۱ - ۱۸۶۹)، طراح و ناشر. به خاطر کاریکاتورهای تندش علیه تزارسم در مجله "مترسک" (۱۹۰۵) شهرت یافت که منجر به توقیف مجله و تبعید وی شد. او سپس اداره انتشارات "لگلانتیه" را عهده‌دار شد. با همکاری گورکی یک مؤسسه انتشارات متعلق به خودش و انتشارات ادبیات جهانی را نیز اداره می‌کرد. به کمک گورکی به برلین مهاجرت کرد و بعد به پاریس رفت و تا آخر عمر در آنجا زیست. دخترانش ایرنیا و لیا در اپرای روسی پاریس می‌رقصیدند و ایرنیا بعداً گروه خاص خود را تشکیل داد. او هنوز یک استودیوی رقص را در پاریس اداره می‌کند. پسر گرژبین، آلکسی (۱۹۸۸ - ۱۹۱۸)، پسر خواننده گورکی، زیست‌شناسی شایسته شد که علاوه بر تدریس در دانشگاه پاریس در تحقیقات مؤسسه پاستور هم مشارکت داشت.

گرونسکی ، ایوان میخاییلوویچ (۱۹۸۵ - ۱۹۱۸)، نزدیک به استالین. در ۱۹۳۷ به دفاع از بوخارین برخاست و دو هفته بعد دستگیر شد. پس از هفده سال اقامت در گولاگ همچنان استالینی دوآتشه بود.

گروسن ، واسیلی سمنوویچ (۱۹۶۴ - ۱۹۰۵)، نویسنده چندین رمان و داستان بلند. هم در دوره استالین و هم در دوره خروشچف آماج حمله روزنامه‌ها بود. اثر عمده وی، رمان زندگی و سرنوشت که در سال ۱۹۶۰ به وسیله ک گ ب ضبط شده بود در سال ۱۹۸۸ منتشر شد. رمان ضد استالینی وی، همه چیز می‌گذرد، که در ۱۹۶۳ تمام شده بود در سال ۱۹۸۹ منتشر شد.

هیپیوس ، زینایدا نیکولایونا (۱۹۴۵ - ۱۸۶۹)، شاعر، رمان‌نویس، منتقد ادبی. در روسیه پیش از انقلاب از شهرتی گسترده برخوردار بود. او که دشمن سرسخت بلشویسم بود در ۱۹۲۰ همراه شوهرش دمیتری مرزکوفسکی نویسنده به پاریس مهاجرت کرد.

یژوف ، نیکولای ایوانوویچ (۱۹۴۰ - ۱۸۹۵)، رئیس ان‌ک‌و (۱۹۳۸ - ۱۹۳۶)، مجری ترور بزرگ. در ۱۹۳۹ دستگیر و در ۱۹۴۰ تیرباران شد.

ایلین ، ایوان الکساندروویچ (۱۹۵۴ - ۱۸۲۲)، فیلسوف مذهبی، نظریه پرداز ملی‌گرایی روس که به ناسیونال - کمونیسم منجر شد. لنین در ۱۹۲۲ اخراجش کرد.

ایلینسکی ، گریگوری آندره‌یویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۷۶)، لغت‌شناس، عضو رابط فرهنگستان

علوم، مؤلف آثاری در مورد دستور زبان تطبیقی زبان‌های اسلاو. تیرباران شد.
 یونوف (برنشتاین)، ایلیا یونوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۷). یکی از مجریان سیاست کرم‌لین در
 زمینه نشر. او در مقام برادرزن زینوویف، تا زمان سقوط او قدرتی مطلق در این زمینه
 داشت. شعبه‌های انتشارات دولتی (گوسیزدات) در لنینگراد به نام‌های "زمین و کارخانه"،
 "آکادِمیا" و "کتاب بین‌المللی" را اداره کرد. تیرباران شد.

ایپاتی یف، ولادیمیر نیکولایوویچ (۱۹۵۲ - ۱۸۶۷)، شیمیدان. در ۱۹۱۶ به عضویت
 فرهنگستان منصوب شد. در سفری تحقیقاتی در سال ۱۹۳۰ به امریکا که همراه
 همکارش چیچیباین صورت گرفت، از بازگشت به شوروی خودداری کرد.
 ایوانوف، گئورگی ولادیمیروویچ (متولد ۱۹۲۹)، لغت‌شناس، مترجم، زبان‌شناس،
 هندشناس. فرزند وسه‌وولود ایوانوف. مدیر کتابخانه ادبیات خارجی. نماینده آخرین
 شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی.

ایوانوف، وسه‌وولود ویاجسلاوویچ (۱۹۶۳ - ۱۸۹۵)، پدر شخص فوق‌الذکر. نویسنده
 آثار نشر و نمایشی، روزنامه‌نگار. طرفدار دیدگاهی اجتماعی فلسفی متعلق به عصر خود.
 ابتدا عضو گروه "برادران سراپیون" بود. گورکی همیشه احترامی دوستانه به وی ابراز
 می‌کرد.

ژدانوف، آندره‌ی الکساندروویچ (۱۹۴۸ - ۱۸۹۴)، عضو هیأت رئیسه حزب، از نزدیکان
 به استالین. یکی از سازمان‌دهندگان ترور بزرگ بود. پس از قتل کیروف، جانشین وی در
 سمت شهردار لنینگراد شد. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. یکی از آزاردهندگان
 سرسخت اخماتووا، زوشچنکو، شوستاکوویچ و پروکوفیف بود؛ مبارزاتی خصومت‌بار
 علیه ژنتیک، سبیرتیک و سایر علوم "بورژوازی" به راه انداخت. در اوج رقابت برای کسب
 سمت جانشینی استالین در شرایطی مشکوک درگذشت.

کاگانوویچ، لازار مویسیوویچ (۱۹۹۱ - ۱۸۹۳)، یکی از نزدیک‌ترین حواریون استالین. از
 سازمان‌دهندگان اصلی ترور بزرگ. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو برای مدتی نزدیک به
 یک ربع قرن. در دوره خروشچف از حزب اخراج و از همه سمت‌هایش برکنار شد.

کالینین، میخائیل ایوانوویچ (۱۹۴۶ - ۱۸۷۵)، از بدو تأسیس حزب به آن ملحق شد. در
 سال ۱۹۱۹ پس از مرگ اسوردلوف به ریاست کمیته اجرایی مرکزی (به اصطلاح پارلمان
 شوروی) رسید. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. نزدیک به استالین. همه سمت‌های خود
 را حتی پس از بازداشت و تبعیدش همسرش حفظ کرد. معاصرانش وی را پیرمردی
 ملایم‌خو توصیف می‌کنند که در پی به‌دست آوردن دل رفاصه‌ها و خواننده‌های اپرا بود.
 کامنف (روزنفلد)، لو بوریسوویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۸۳)، از افراد بسیار نزدیک به لنین در

اولین هیأت رئیسه بلشویستی و جانشین وی در شورای کمیسرهای خلق بود. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو، نخستین کمیته اجرایی مرکزی و رئیس شورای مسکو. او پس از مرگ لنین جانب استالین را در مبارزه با تروتسکی بر سر قدرت گرفت. یکی از اولین قربانیان ترور بزرگ بود. به توطئه چینی برای قتل کیروف متهم و تیرباران شد.

کامنوا (برونشتاین)، اولکا داویدوونا (۱۹۴۱ - ۱۸۸۳)، عضو حزب در سال ۱۹۰۲. خواهر تروتسکی. اولین زن لو کامنف. در دستگاه حزب و دولت سمت‌های مختلفی را عهده‌دار شد. در ۱۹۳۵ بازداشت شد. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۱ به دستور بریاوی را همراه با ۱۵۴ تن دیگر از "دشمنان خلق" در جنگلی در منطقه اورال تیرباران کردند.

کارپینسکی، الکساندر پتروویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۸۵)، زمین‌شناس، رئیس فرهنگستان علوم روسیه (و بعد اتحاد شوروی) از ۱۹۱۷.

کارساویا، تامارا پلاتونوونا (۱۹۷۸ - ۱۸۸۵)، خواهر لو کارساوین. رقاصه مشهور. در ۱۹۱۸ به فرانسه مهاجرت کرد. در فصول روسی پاریس و در باله‌های روسی دیاقیلف شرکت کرد. معاون رئیس فرهنگستان سلطنتی رقص در لندن از ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰.

کارساوین، لو پلاتونوویچ (۱۹۵۲ - ۱۸۸۲)، فیلسوف، مورخ. لنین در ۱۹۲۲ اخراجش کرد. به لیتوانی رفت و استاد دانشگاه کوناس شد. پس از آن که لیتوانی به اشغال نیروهای شوروی، سپس نازی‌ها و مجدداً شوروی درآمد، از مهاجرت خودداری کرد، استاد دانشگاه ویلنیوس شد. در ۱۹۴۶ دستگیر شد و در گولاگ از پای درآمد.

کرنسکی، الکساندر فدوروویچ (۱۹۷۰ - ۱۸۸۱)، وکیل، سیاستمدار. سوسیالیست - انقلابی. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ابتدا وزیر، سپس معاون رئیس دولت موقت و فرمانده کل ارتش شد. در ۱۹۱۸ به فرانسه و از آنجا به امریکا مهاجرت کرد.

کرژتسف (لبدف)، پلاتون میخایلوویچ (۱۹۴۰ - ۱۸۸۱)، روزنامه‌نگار، در ۱۹۰۴ به حزب بلشویک پیوست. در ۱۹۲۶ - ۱۹۲۵ در ایتالیا سفیر بود. ریاست کمیته رادیو و کمیته هنرها را عهده‌دار شد. تیرباران شد.

خالاتوف، آرتاشس بگراتوویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۹۶)، در ۱۹۱۷ به حزب بلشویک پیوست. ریاست کمیته بهبود شرایط زندگی دانشمندان (که به پیشنهاد گورکی تشکیل شد) را به عهده داشت. تیرباران شد.

کیشکین، نیکولای میخایلوویچ (۱۹۳۰ - ۱۸۴۶)، پزشک، سیاستمدار. عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات‌های قانون اساسی طلب. وزیر دولت موقت در ۱۹۱۷. چند بار به دست بلشویک‌ها بازداشت شد. نه اخراج شد و نه تیرباران.

کیسوتیر، الکساندر الکساندروویچ (۱۹۳۳ - ۱۸۶۶)، مورخ، از بنیانگذاران حزب

دمکرات‌های قانون اساسی طلب. پس از آن که لنین در سال ۱۹۲۲ اخراجش کرد در دانشگاه روسی پراگ به تدریس پرداخت.

کیروف، سرگنی میرونوویچ (۱۹۳۴ - ۱۸۸۶)، عضو پولیتبورو، رهبر حزب در لنینگراد از سال ۱۹۲۶ تا هنگام مرگ. در ۱۹۳۴ ترور شد.

کلیوین، نیکولای آلکسیوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۷)، شاعر، یکی از نمایندگان بهترین شعر "روستایی" و مذهبی. تیرباران شد.

کلیچکوف (لشکوف)، سرگنی آنتونوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۹)، شاعر و نویسنده پیرو مکتب موسوم به "روستایی". تیرباران شد.

کنیپر - چخووا، اولگا لئوناردوونا (۱۹۵۹ - ۱۸۶۸)، بازیگر تئاتر هنر مسکو، همسر آنتون چخوف.

کوژفنیکوف، وادیم میخائیلوویچ (۱۹۸۴ - ۱۹۰۹)، نویسنده، مؤلف رمان‌هایی به سبک "رنالیسم سوسیالیستی". عضو هیأت رئیسه اتحادیه نویسندگان شوروی. مدیر نشریه زنایا و همکار مؤثر ک گ ب.

کولوتای، الکساندرا میخائیلوونا (۱۹۵۲ - ۱۸۷۲)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مبارز سیاسی، دیپلمات. مؤلف کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد درباره مسأله زنان، صاحب نظریه "عشق آزاد". در ۱۹۲۲ - ۱۹۲۰ کارگران مخالف را رهبری کرد. سپس در سمت سفیر در کشورهای نروژ، مکزیک و سوئد خدمت کرد.

کورین، پاول دمتریوویچ (۱۹۶۷ - ۱۸۹۲)، نقاش، مرمت‌گر آثار گذشتگان. موضوع آثارش را از تاریخ و فرهنگ عامه روس انتخاب می‌کرد. شدیداً تحت نظر لوبیانکا قرار داشت.

کوچتوف، وسه‌وولود آنیسیموویچ (۱۹۷۳ - ۱۹۱۲)، نویسنده، یکی از سرکردگان "رنالیسم سوسیالیستی". مدیریت مجله اکتبر را به عهده داشت که دشمن سرسخت مطبوعات لیبرال و دمکرات بود. مبلغ فعال افکار ضد روشنفکری و یهودستیزانه. خودکشی کرد.

کویبیشف، والرین ولادیمیروویچ (۱۹۳۵ - ۱۸۸۸)، در ۱۹۰۴ به حزب پیوست. از اوایل دهه بیست عضو کمیته مرکزی و پولیتبور بود. معاون اول رئیس شورای کمیسرهای خلق. وی از دیگر اطرافیان استالین نسبتاً میانه‌روتر بود. دو ماه پس از کشته شدن کیروف به طرز ناگهانی درگذشت. در سومین محاکمه بزرگ به عنوان یکی از قربانیان "جنایات تروتسکیست - بوخارینی‌ها" حضور داشت. علت دقیق مرگ او هرگز مشخص نشد.

کورسکی، دمتری ایوانوویچ (۱۹۳۲ - ۱۸۷۴)، در ۱۹۰۴ به حزب بلشویک پیوست.

کمیسر دادگستری در ۱۹۱۸؛ سفیر در ایتالیا در ۱۹۲۸.

کوسکووا، یکاترینا دمیترییونا (۱۸۶۹ - ۱۹۵۸)، مبارز سیاسی لیبرال. مخالف سرسخت کودتای اکتبر ۱۹۱۷. همراه با گورکی کمیته امداد به قربانیان قحطی ("پومگول") را در سال ۱۹۲۱ تأسیس و اداره کرد. در ۱۹۲۲ به دستور لنین از کشور اخراج شد.

کراندییوسکایا، ناتالیا واسیلییونا (۱۸۸۸ - ۱۹۶۳)، شاعر. سومین همسر آلکسی تولستوی (از ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۵). الگوی شخصیت کاتیا در رمان شوهرش راه شکنجه‌ها.

کراسین، لئونید بوریسوویچ (۱۸۷۰ - ۱۹۲۶)، مهندس، از بدو تأسیس حزب بلشویک به آن ملحق شد. برای حزب کمک مالی جمع می‌کرد و چند عملیات سرقت مسلحانه از بانک‌ها را به همین منظور ترتیب داد. عضو کمیته مرکزی در خارج. پس از ۱۹۱۷ به سمت‌های کمیسر خلق در تجارت و صنعت، در راه‌های ارتباطی و در تجارت خارجی منصوب شد. سفیر و نماینده بازرگانی در لندن و در پاریس.

کروپسکایا، نادژدا کنستانتینوونا (۱۸۶۹ - ۱۹۳۹)، همسر لنین، معاون کمیسر خلق در آموزش عمومی.

کورلا، آلفرد (۱۸۹۵ - ۱۹۷۵)، عضو حزب کمونیست آلمان از ۱۹۱۸. با به قدرت رسیدن نازی‌ها ابتدا به فرانسه مهاجرت کرد و بعد به اتحاد شوروی رفت و تا ۱۹۵۴ در آنجا زیست. نویسنده و منتقد. دبیر کمیته مرکزی حزب متحد سوسیالیست آلمان، نظریه پرداز شماره یک جمهوری آلمان شرقی.

لیلینا، زلاتا یونوونا (۱۸۸۲ - ۱۹۲۹)، در ۱۹۰۲ به حزب بلشویک پیوست. همسر گریگوری زینوویف. روزنامه‌نگار کمونیست. پس از ۱۹۱۷ سمت‌های گوناگونی در دستگاه حزب و دولت به عهده گرفت.

لوسکی، نیکولای اونوفریوویچ (۱۸۷۰ - ۱۹۶۵)، فیلسوف، رهبر مکتب شهودگرایی و شخص‌گرایی. در ۱۹۲۲ به دستور لنین اخراج شد. استاد دانشگاه در پراگ و بعد، از ۱۹۴۵، در آمریکا.

لوناچارسکی، آناتولی واسیلیوویچ (۱۸۷۵ - ۱۹۳۳)، روزنامه‌نگار، نماینده‌نویس، متفکر حزب، هوادار نظریه موسوم به "خداسازی". کمیسر خلق در آموزش عمومی از ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۹. با فرهنگ‌ترین رهبر شوروی به شمار می‌رفت. به سمت سفیر در مادرید منصوب شد و هنگام عزیمت به اسپانیا در متون فوت کرد.

مالنکوف، گئورگی ماکسیمیلیانوویچ (۱۹۰۲ - ۱۹۸۸)، از نزدیک‌ترین همکاران استالین. پس از نابودی پیشکسوت‌های حزب در دوره ترور بزرگ به عضویت هیأت رئیسه حزب درآمد. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. یکی از سازمان‌دهندگان اصلی دومین موج ترور

بزرگ که پس از جنگ به راه افتاد. در نبرد بر سر قدرت با خروشچف در ۱۹۵۷ شکست خورد. از حزب اخراج و از همه سمت‌هایش برکنار شد.

مالیاتوویچ، پاول نیکولایوویچ (۱۹۴۰ - ۱۸۷۲)، یکی از مشهورترین وکلای روسیه در پیش از انقلاب. در چندین محاکمه سیاسی شرکت داشت. وزیر دادگستری دولت موقت بود. پس از اکتبر ۱۹۱۷، وکیل مشاور نهادهای مختلف شوروی شد. عضو کانون وکلای مسکو. تیرباران شد.

مالینوفسکایا، الناکنستانتینوونا (۱۹۴۲ - ۱۸۷۵)، همسر پیوتر مالینوفسکی بلشویک (۱۹۴۳ - ۱۸۶۹)، دوست خانواده پشکوف از دوره نیژنی - نوگورود. در ۱۹۱۷ به سمت کمیسر همه تئاترهای مسکو منصوب شد. بعداً به سمت رئیس بالشوی تعیین شد.

مانوخین، ایوان ایوانوویچ (۱۹۵۸ - ۱۸۸۲)، پزشک، کارشناس کمیسیون فوق‌العاده تحقیق دولت موقت و صلیب - سرخ سیاسی. بیماری سل گورکی را مداوا کرد و به این ترتیب موفق شد امکان مهاجرت خود را به پاریس در ۱۹۲۰ فراهم آورد. از آن پس، راه وی از گورکی دور شد.

مارشاک، ساموییل یاکوولویچ (۱۹۶۴ - ۱۸۸۷)، شاعر، مترجم، از "بزرگان" ادبیات شوروی برای کودکان به‌شمار می‌رود.

مار، نیکولای یاکوولویچ (۱۹۳۴ - ۱۸۶۴)، زبان‌شناس، در ۱۹۱۲ به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. مبدع نظریه‌ای تحت عنوان "علم جدید زبان" که مورد انکار همکارانش قرار گرفت. عضو کمیته امداد به قربانیان قحطی (۱۹۲۱). استالین در رساله‌ای به نام "مارکسیسم و مسائل زبان‌شناسی" از وی شدیداً انتقاد کرد (۱۹۵۲).

مرژکوفسکی، دمتری سرگیویچ (۱۹۴۱ - ۱۸۶۶)، نویسنده و فیلسوف مذهبی. مولف آثار متعددی در زمینه تئاتر، رمان، تحقیقات تاریخی و نقد. همراه همسرش زینایدا هیپیوس در ۱۹۲۰ به فرانسه مهاجرت کرد.

مچنیکوف، ایلیا ایلویچ (۱۹۱۶ - ۱۸۴۵)، زیست‌شناس. در مؤسسه پاستور در پاریس کار کرد (از سال ۱۸۸۱). صاحب نظریه منشاء موجودات زنده چند سلولی. جایزه نوبل ۱۹۰۸.

میکویان، آناستاس ایونوویچ (۱۹۷۸ - ۱۸۹۵)، از اعضای هیأت رئیسه حزب بلشویک؛ عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. نزدیک به استالین. از سرکوبی گسترده طی دوره ترور بزرگ پشتیبانی کرد. در ۱۹۵۶ خروشچف را در افشای جنایات استالین یاری کرد.

مولوتوف، ویاجسلاو میخاییلوویچ (۱۹۸۶ - ۱۸۹۰)، عضو پولیتبورو، معاون رئیس و سپس رئیس شورای کمیسرهای خلق، وزیر خارجه. در ۱۹۵۷ از همه سمت‌هایش برکنار

شد.

موروزف، ساوا تیموفه‌یویچ (۱۹۰۵ - ۱۸۶۲)، صاحب کارخانه‌های نساجی، یکی از ثروتمندترین مردان روسیه پیش از انقلاب. حامی مالی تئاتر هنر مسکو و حزب بلشویک که در آن زمان مخفی بود. طبق روایت رسمی، در شهر نیس خودکشی کرد. علت واقعی مرگ وی هنوز در پرده ابهام مانده است.

موراویوف، نیکولای کنستانتینوویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۷۰)، وکیل، در محاکمات سیاسی قبل و بعد از ۱۹۱۷ شرکت جست. ریاست کمیسیون دولت موقت را برای تحقیق در مورد جنایات وزیران تزار به عهده داشت.

مورومتسف، سرگنی نیکولایویچ (۱۹۶۰ - ۱۸۹۸)، میکروبیولوژیست، ورود به فرهنگستان در ۱۹۴۸. سرهنگ سرویس‌های مخفی. در اواسط دهه سی آزمایشگاه مخفی سم‌شناسی را ایجاد و سرپرستی کرد. متخصصان این آزمایشگاه آزمایش‌هایشان را روی انسان‌ها صورت می‌دادند و در حذف اشخاص نامطلوب به وسیله شیوه‌های "پزشکی" مشارکت داشتند.

فمیروویچ - دانچنکو، ولادیمیر ایوانوویچ (۱۹۴۳ - ۱۸۵۸)، نویسنده و دست‌اندرکار تئاتر. همراه با استانیسلاوسکی تئاتر هنر مسکو را بنیاد نهاد. از همکاری گورکی برخوردار بود و نمایشنامه دشمنان وی را در ۱۹۳۵ روی صحنه برد.

نیکولین، لو وینامینوویچ (۱۹۶۷ - ۱۸۹۱)، نویسنده، عامل نفوذی سرویس‌های مخفی به محفل دوستان گورکی. مأموریت‌هایی مهم برای این سرویس‌ها و حزب صورت داد. او در زمان استالین و پس از آن بدون هیچ مانعی مرتباً به پاریس می‌رفت و روابطی دوستانه با بسیاری از مهاجران روس برقرار کرده بود.

اولدنبورگ، سرگنی فدوروویچ (۱۹۳۴ - ۱۸۶۳)، شرق‌شناس، هندشناس، وزیر آموزش دولت موقت، ورود به فرهنگستان در ۱۹۰۰، دبیر فرهنگستان روسیه (سپس اتحاد شوروی). پس از آنکه به دستور مسوولان حکومتی ترتیب انتخاب نامزدهای کمونیست را داد، در سال ۱۹۲۹ برکنار شد.

اورژونیکیدزه، گریگوری (سرگو) کنستانتینوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۶)، در ۱۹۰۳ به حزب بلشویک پیوست، عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. کمیسر خلق در صنایع سنگین. از محرمان استالین به‌شمار می‌رفت. علیه کشتار پیشکسوتان حزب به پا خاست. در آستانه تشکیل پلنوم کمیته مرکزی (فوریه ۱۹۳۷) که قرار بود بر دستگیری بوخارین وریکوف صحنه بگذارد خودکشی کرد (به موجب روایتی تأیید نشده، وی به دستور استالین کشته شد).

اوسادچی ، پیوتر سمیونوویچ (۱۹۴۲ - ۱۸۶۶)، استاد مؤسسه الکتروتکنیک لنینگراد. گورکی ترتیب همکاری وی را با نشریه دستاوردهای ما فراهم کرد. با سرویس‌های مخفی همکاری می‌کرد و طی مأموریتی از جانب آن‌ها برای تحکیم اتهام‌نامه در دادگاه فرمایشی ۱۹۲۸ (موسوم به دادگاه شاختی) شرکت جست. او در دادگاه فرمایشی دیگری به نام محاکمه "حزب صنعتی" در ۱۹۳۰ نقش متهمی نادم را ایفا کرد. در فوریه ۱۹۳۶، اندکی پیش از آغاز ترور بزرگ، عفو شد.

اوسورگین ، میخائیل آندریویچ (۱۹۴۲ - ۱۸۷۸)، نویسنده، لنین در ۱۹۲۲ اخراجش کرد. از آن پس در فرانسه زیست و همانجا درگذشت.

اوخانوف ، کنستانتین واسیلیویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۹۱)، رئیس اجرایی شورای مسکو در ۱۹۲۶، عضو کمیته مرکزی حزب. چند کمیساریای خلق را پیش از تیرباران شدن تصدی کرد.

پانفروف ، فدور ایوانوویچ (۱۹۶۰ - ۱۸۹۶)، نویسنده، یکی از مدافعان "رنالیسم سوسیالیستی". استالین به‌وی توجیهی ویژه داشت و به مدیریت مجله ادبی اکتبر منصوبش کرد (۱۹۳۱). وی این سمت را تا زمان مرگ حفظ کرد.

پاولنکو ، پیوتر آندره‌ویچ (۱۹۵۱ - ۱۸۹۹)، نویسنده، عضو حزب از ۱۹۲۰، یکی از اساتید "رنالیسم سوسیالیستی". همکار پلیس سیاسی. استالین بسیار دوستش می‌داشت و ترتیبی داد تا چهار دفعه جایزه‌ای را که به نام خودش بود، دریافت کند.

پاولوف ، ایوان پتروویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۴۹)، متخصص فیزیولوژی، عضو فرهنگستان در ۱۹۰۷. خالق نظریه واکنش‌های شرطی. جایزه نوبل در ۱۹۰۴. در اعتراض به خشونت‌ها و سرکوبی اندیشه آزاد بارها به استالین نامه نوشت.

پوتز ، ولادیمیر نیکولایویچ (۱۹۳۵ - ۱۸۷۰)، مورخ ادبیات، عضو فرهنگستان در ۱۹۱۴. قربانی سرکوبی استالینی.

پتروس ، یاکوف (یان) کریستوفوروویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۷۰)، در ۱۹۰۴ به حزب پیوست. پس از کودتای اکتبر عهده‌دار سمت‌های ریاست در سرویس‌های امنیتی شد (معاون رئیس چکا، عضو هیأت رئیسه گپتو و غیره). تیرباران شد.

پتروف - وودکین ، کوزما سرگیویچ (۱۹۳۹ - ۱۸۷۸)، نقاش. به‌رغم ترسیم تابلوهایی رمانتیک از انقلاب بلشویستی تحت تعقیب مأموران حکومتی قرار داشت.

پیلنیاک (ووگو) ، بوریس آندره‌ویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۹۴)، نویسنده، دوست بوریس پاسترناک. رئیس اتحادیه نویسندگان روسیه. در کتابش تاریخچه ماه خاموش ناشده توضیحی در مورد مرگ مشکوک میخائیل فرونز ارائه کرده که انتقادات شدیدی را علیه

وی برانگیخت. رمانش به نام درخت ماهون (۱۹۲۹) که در محاق سانسور مانده بود در خارج چاپ شد (چاپ اول در روسیه در ۱۹۸۹). تیرباران شد.

پینکوویچ، آلبرت پتروویچ (۱۹۳۹ - ۱۸۸۳)، استاد تعلیم و تربیت، همکار نزدیک گورکی. تیرباران شد.

پوستیشف، پاول پتروویچ (۱۹۳۹ - ۱۸۸۷)، در ۱۹۰۴ به حزب بلشویک پیوست. عضو کمیته مرکزی و عضو علی‌البدل پولیتبورو. به‌رغم طرفداری شدید از استالین مفضوب شد. تیرباران شد.

پروکوپوویچ، سرگنی نیکولایوویچ (۱۹۵۵ - ۱۸۷۱)، سیاستمدار، اقتصاددان، وزیر دولت موقت. همسری. کوسکووا. در ۱۹۲۲ به دستور لنین از کشور اخراج شد.

رادلوف، سرگنی ارنستوویچ (۱۹۵۸ - ۱۸۹۲)، دست‌اندرکار تئاتر. در سال‌های متعاقب کودتای اکتبر "شو"های بزرگ انقلابی را روی صحنه برد. از مهم‌ترین کارهای وی اجرای شاه‌لیر بود که در سال ۱۹۳۵ در تئاتر یهودی مسکو روی صحنه رفت. هنگام جنگ در منطقه‌ای بود که به اشغال آلمانی‌ها درآمد و به همین علت بعداً به خیانت متهم شد. پس از آزادی از گولاگ در ۱۹۵۳ فقط به کار کردن در تئاترهای لتونی ادامه داد.

رامزین، لئونید کنستانتینوویچ (۱۹۴۸ - ۱۸۸۷)، مدیر و استاد مؤسسه فن‌آوری‌های حرارتی. پذیرفت که در دادگاه فرمایشی "حزب صنعتی" شرکت کند و به تشکیل این حزب غیرواقعی اقرار کرد. او که به مرگ محکوم شده بود به خاطر همکاری وظیفه - شناسانه با گپتو عفو شد. در ۱۹۴۳ جایزه استالین را به‌وی اعطا کردند.

راسپوتین (نویخ)، گریگوری افیموویچ (۱۹۱۶ - ۱۸۶۴)، روستایی تقریباً بی‌سواد اهل سبیری. دربار تزار به‌خاطر پیشگویی‌های وی و پرستاریش از ولیعهد مبتلا به هموفیلی، او را تحت حمایت گرفت و به شبه قدیسی تبدیلش کرد. او که به خاطر نفوذ بسیار در دربار خطرناک شمرده می‌شد طی توطئه‌ای با هدف نجات سلطنت به قتل رسید.

رمیزوف، آلکسی میخائیلوویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۷۷)، نویسنده‌ای با سبکی عمداً قدیمی و عامیانه. در ۱۹۲۱ مهاجرت کرد.

ریابوشینسکی، پاول پاولوویچ (۱۹۲۴ - ۱۸۷۱)، کارخانه‌دار، بانکدار و سیاستمدار در روسیه تزاری. در سال ۱۹۱۷ با کمک مالی به شورش ژنرال کورنیلوف، برای برقراری دوباره حکومت سلطنتی تلاشی نافرجام کرد. در ۱۹۲۰ به فرانسه مهاجرت کرد. کاخی در مسکو داشت که استالین در اختیار گورکی قرار داد.

ریوتین، مارتیمیان نیکیتیچ (۱۹۳۷ - ۱۸۹۰)، در ۱۹۱۴ به حزب پیوست. سازمان‌های منطقه‌ای حزب را در سبیری، خاوردور و قفقاز اداره کرد. عضو علی‌البدل کمیته مرکزی

(۱۹۳۰ - ۱۹۲۷)، نویسنده فراخوان "به همه اعضای حزب" که در آن استالین را به غضب قدرت متهم کرده بود و نیز جزوه "استالین و بحران دیکتاتوری پرولتاریا" (موسوم به "برنامه ریوتین") که در آن خواهان سرنگونی حکومت استبدادی استالین شده بود. تیرباران شد.

روجستونسکی، وسه وولود الکساندروویچ (۱۹۷۷ - ۱۸۹۵)، شاعر، کمال‌گرای (acméiste) سابق که به "رنالیسم سوسیالیستی" گرایید.

روژکوف، نیکولای الکساندروویچ (۱۹۲۷ - ۱۸۶۸)، استاد تاریخ و اقتصاد سیاسی، بلشویک از ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۰ و سپس منشویک. همکار گورکی. لنین با این استدلال که نمی‌خواهد با یک "خائن" سروکار داشته باشد، طرح‌های وی را رد می‌کرد.

ریکوف، آلکسی ایوانوویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۸۱)، در ۱۸۹۸ به حزب پیوست. اولین کمیسر کشور در اتحاد شوروی. پس از مرگ لنین، جانشین وی در سمت رئیس شورای کمیسرها (سوفناکوم) شد. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. همراه با بوخارین در مقابل تدابیر افراطی برای اشتراکی‌سازی و صنعتی‌سازی قد علم کرد. در فاصله ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۶ کمیسر پ ت ت (PTT). یکی از متهمان اصلی در سومین محاکمه بزرگ مسکو. تیرباران شد.

سلیشچف، آفاناسی ماتویویچ (۱۹۴۲ - ۱۸۸۵)، زبان‌شناس، متخصص زبان‌های اسلاو، عضو فرهنگستان از ۱۹۲۹. به اتهام "ملی‌گرایی" تحت تعقیب قضایی بود.

سماشکو، نیکولای الکساندروویچ (۱۹۴۹ - ۱۸۷۴)، مبارز انقلابی از ۱۸۹۳. بلشویک. پزشک. کمیسر بهداشت عمومی در شوروی. در معالجه جراحی لنین شرکت کرد (۱۹۱۸). همه سمت‌های رسمی‌اش را در ۱۹۳۰ ترک کرد که همین امر احتمالاً موجب نجات جان او شد.

سرافیموویچ (پوپوف)، الکساندر سرافیموویچ (۱۹۴۹ - ۱۸۶۳)، نویسنده. پس از اکتبر ۱۹۱۷ به بلشویک‌ها پیوست و به یکی از ارکان "رنالیسم سوسیالیستی" مبدل شد. نامش را هنگامی که هنوز زنده بود بر یکی از خیابان‌های مسکو نهادند. در آن خیابان مجتمعی برای اقامت سرکردگان حکومت استالین قرار داشت که به "خانه روی بارانداز" معروف بود.

سربریاکووا، زنیایدا بوگنیونا (۱۹۶۷ - ۱۸۸۴)، عضو گروه جهان هنر. در ۱۹۲۴ به فرانسه مهاجرت کرد.

سوموف، کنستانتین آندره‌یویچ (۱۹۳۹ - ۱۸۶۹)، نقاش و طراح، عضو گروه جهان هنر. در ۱۹۲۳ به فرانسه مهاجرت کرد.

سودیگین ، سرگئی یوریویچ (۱۹۴۶ - ۱۸۸۲)، نقاش، طراح صحنه تئاتر. عضو گروه‌های گل سرخ و جهان هنر. در ۱۹۲۰ مهاجرت کرد.

سوخانوف (قیمر) ، نیکولای نیکولایویچ (۱۹۴۰ - ۱۸۸۲)، انقلابی، اقتصاددان. اس. - آر. در ۱۹۰۳، منشویک در ۱۹۱۷. همراه با گورکی روزنامه ضد بلشویکی نوویازیزن را اداره می‌کرد، مؤلف خاطرات انقلاب در هفت جلد که در دهه ۲۰ منتشر شد. پس از ۱۹۱۸ از فعالیت سیاسی کناره گرفت. با وجود این، به عنوان متهم به دادگاه فرمایشی منشویک‌ها احضار شد (۱۹۳۱) و پس از نه سال اقامت در گولاگ تیرباران شد.

اسپرانسکی ، آکسی دمیتریویچ (۱۹۶۱ - ۱۸۸۷)، پاتوفیزیولوژیست، عضو فرهنگستان از ۱۹۳۹. به خاطر استعدادش در نواختن ویولون سل و علاقه مفرط به شراب مشهور بود. طرح خیال‌بافانه‌اش برای افزایش عمر انسان جز گزافه‌گویی نبود و با این وصف محبوب استالین قرار گرفت (به خاطر ارائه چه خدماتی؟) و جایزه‌ای را که به نام استالین بود، دریافت کرد. (۱۹۴۳).

استانیسلاوسکی (آکسیف) ، کنستانتین سرگیویچ (۱۹۳۸ - ۱۸۶۳)، کارگردان تئاتر، بازیگر و نظریه پرداز تئاتر. همراه با نیمروویچ - دانچنکو تئاتر هنر مسکو را تأسیس کرد. بانی نظریه و مجموعه‌ای از فنون نمایشی موسوم به "شیوه استانیسلاوسکی". کارگردان و مفسر نمایشنامه‌های گورکی. عضو افتخاری فرهنگستان در ۱۹۱۷.

استپون ، فدور اوگوستوویچ (۱۹۶۵ - ۱۸۸۴)، جامعه‌شناس، روزنامه‌نگار. لنین در ۱۹۲۲ اخراجش کرد. به آلمان مهاجرت کرد.

استومونیاکوف ، بوریس اسپیردونوویچ (۱۹۴۱ - ۱۸۸۲)، در ۱۹۰۲ به حزب پیوست. در دهه بیست نماینده تجاری در آلمان. معاون کمیسر بازرگانی خارجی، معاون کمیسر امور خارجه. در ۱۹۳۸ به دستور بریا دستگیر و در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۱ تیرباران شد.

تلمود ، داوید لهوویچ (۱۹۷۳ - ۱۹۰۰)، شیمی‌دان، عضو رابط فرهنگستان علوم. ان‌کود او را برای کار در آزمایشگاه سم‌شناسی که تولیداتش برای حذف اشخاص نامطلوب و مزاحم استفاده می‌شد، استخدام کرد. در آزمایش روی انسان‌ها شرکت داشت.

تاتلین ، ولادیمیر یوگرافوویچ (۱۹۵۳ - ۱۸۸۵)، نقاش، طراح صحنه، مدافع فوتوریسم و کوبیسم. مبدع هنر "سینتیک". آثارش طی مدتی حدود سی سال حق شرکت در نمایشگاه‌ها را نداشت.

چوکوفسکی ، کورنی ایوانوویچ (۱۹۶۹ - ۱۸۸۲)، نویسنده، مترجم، منتقد، مؤلف اشعار کودکان، متخصص فیزیولوژی کودکان. چند دکترای افتخاری از دانشگاه‌های بریتانیا

دریافت کرد. مطبوعات شوروی در سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ او را آماج انتقادهای شدیدی قرار دادند.

تومسکی (افرموف) ، میخائیل پاولوویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۸۰)، در ۱۹۰۴ به حزب پیوست. سندیکالیست. عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. با بوخارین و ریکوف "اپوزیسیون راست" را علیه اشتراکی‌سازی اجباری کشاورزی رهبری کرد. هنگام سرکوبی‌های گسترده استالینی خودکشی کرد.

وایلوف ، نیکولای ایوانوویچ (۱۹۴۳ - ۱۸۸۷)، زیست‌شناس، متخصص ژنتیک، نظریه‌پرداز گزینش طبیعی. عضو فرهنگستان در ۱۹۲۹، عضو افتخاری بسیاری از فرهنگستان‌های آمریکا و اروپا، استاد افتخاری بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای مختلف. در ۱۹۴۱ به مرگ محکوم شد ولی حکمش به بیست سال کار در گولاگ تخفیف یافت. در زندان ساراتوف از شدت ضعف بدنی درگذشت.

ورنادسکی ، ولادیمیر ایوانوویچ (۱۹۴۵ - ۱۸۶۳)، ژئوشیمیست، بیوزئوشیمیست، رادیوزئولوگ، نظریه‌پرداز بیوسفر و نوسفر. عضو فرهنگستان در ۱۹۱۲. عضو دولت موقت. مهاجرت کرد و پس از مدتی به شوروی بازگشت.

ورتینسکی ، الکساندر نیکولایوویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۸۹)، خواننده، شاعر، آهنگساز. در ۱۹۱۹ مهاجرت کرد و در ۱۹۴۳ بازگشت. جایزه استالین را به خاطر ایفای نقش در توطئه محکومان که شخصیتی کاریکاتوری از کاردینال میندستی ارائه می‌کرد، دریافت نمود.

وولین (فژادکین) ، بوریس میخائیلوویچ (۱۹۵۷ - ۱۸۸۶)، در ۱۹۰۴ به حزب پیوست. یکی از مسؤولان دستگاه سانسور. از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ ریاست گلاولیت (هیأت رئیسه مرکزی سانسور) را به عهده داشت. معاون رئیس کمیسر آموزش عمومی. از موج سرکوبی مصون ماند.

وولودارسکی (گلداشتاین) ، مویسی مارکوویچ (۱۹۱۸ - ۱۸۹۱)، کمیسر مطبوعات و تبلیغات در پتروگراد در ۱۹۱۸. در توقیف روزنامه‌های مخالف سهمی عمده داشت. به دست یک سوسیالیست - انقلابی کشته شد.

ووروفسکی ، واتسلاو واتسلاوویچ (۱۹۲۳ - ۱۸۷۱)، روزنامه‌نگار حزب، منتقد ادبی، اولین دیپلمات شوروی. سفیر در کشورهای اسکاندیناوی و بعد در ایتالیا. یک مهاجر روس او را در لوزان از پای درآورد.

ویشلاتسوف ، بوریس پتروویچ (۱۹۵۴ - ۱۸۷۷)، فیلسوف مذهبی، استاد دانشگاه مسکو. مؤلف کتاب‌هایی در علم اخلاق و تاریخ فلسفه. لنین در ۱۹۲۲ اخراجش کرد. به پاریس مهاجرت کرد.

ویشینسکی، آندره‌ی یانوارییویچ (۱۹۵۴ - ۱۸۸۳)، دادستان کل از ۱۹۳۵، مدعی‌العموم در سه محاکمه بزرگ مسکو (۱۹۳۸ - ۱۹۳۶). وزیر امور خارجه از ۱۹۴۹، نماینده در سازمان ملل در ۱۹۵۳.

یودین، پاول فدوروویچ (۱۹۶۸ - ۱۸۹۹)، فیلسوف رسمی شوروی، نظریه پرداز و مبلغ کمونیسم علمی. سفیر در بلغراد و در پکن، عضو کمیته مرکزی، عضو علی‌البدل پولیتبورو، عضو فرهنگستان در ۱۹۵۳.

زایتسف، بورس کنستانتینوویچ (۱۹۷۲ - ۱۸۸۱)، نویسنده‌ای که نخستین داستان‌هایش مورد پسند چخوف قرار گرفت. رهبر اتحادیه نویسندگان مسکو پس از ۱۹۱۷. در ۱۹۲۲ به فرانسه مهاجرت کرد.

زامیاتین، یوگنی ایوانوویچ (۱۹۳۷ - ۱۸۸۴)، نویسنده‌ای که توانست چهره‌ای مضحک از حکومت استبدادی ارائه نماید. از استالین مجوز مهاجرت گرفت (۱۹۳۲).

زاسلافسکی، داوید یوسفوویچ (۱۹۶۵ - ۱۸۸۰)، روزنامه‌نگار. منشویک، عضو کمیته مرکزی بوند (اتحادیه عمومی کارگران یهودی). مبارزه‌ای افشاگرانه علیه لنین به راه انداخت و او را آشکارا جاسوس آلمان خواند (۱۹۱۷). در ۱۹۳۴ به توصیه شخصی استالین به حزب پیوست. اما بسیار پیش از این تاریخ مقاله‌هایی در پرآودا منتشر می‌کرد که دفاعیه‌هایی از نظریات استالین بودند.

زینوویف (رادومیسلسکی)، گریگوری افسه‌یویچ (۱۹۳۶ - ۱۸۸۳)، عضو حزب بلشویک از ۱۹۰۱. رفیق تبعید لنین در سوئیس و یکی از نزدیک‌ترین دوستان وی. در دسامبر ۱۹۱۷، رئیس شورای پتروگراد شد. رئیس کومیترون (۱۹۲۶ - ۱۹۱۹). عضو کمیته مرکزی و پولیتبورو. استالین را در سرکوبی تروتسکی کمک کرد و بعد خود قربانی استالین شد. بر نیمکت متهمان در اولین محاکمه بزرگ مسکو نشست. تیرباران شد.

www.KetabFarsi.com

نمایه

- آ
- آداموویچ، گئورگی ۱۴۸
 آراگون، لویی ۳۶۷-۳۶۸، ۳۸۷،
 ۴۱۹-۴۲۵، ۴۲۸
 آروسف، الکساندر ۳۸۶، ۳۹۰-۳۹۱،
 ۳۹۵
 آفدینکو، الکساندر ۴۰۶-۴۰۷
 آگرانوف، یاکوف ۱۰۵، ۱۴۶، ۲۹۵
 آلبرتی، رافائل ۳۶۷
 آلکسیونا، نادژدا ← نیموشا
 آمفیتاتروف، الکساندر ۱۳۲-۱۳۳
 آندرسن - نکسو، مارتین ۳۱۰، ۳۶۷
 آندرسون، شرود ۲۳۴
 آندرونیکوا، سالومه ۱۷۲
 آندریچ، ابو ۳۶۴
 آندریف، لئونید ۹، ۲۵-۲۶، ۴۰۷
 آندرییوا، ماریا ۲۷، ۳۰، ۳۶-۴۱،
 ۴۳-۴۴، ۴۶-۴۸، ۵۰-۵۵، ۵۷-۵۹،
 ۶۶-۶۸، ۷۰، ۸۱-۸۶، ۸۸-۹۰، ۹۲
- ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۰، ۱۱۸-۱۲۳،
 ۱۲۶-۱۲۷، ۱۳۰-۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۱،
 ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰-۱۷۲،
 ۱۸۸-۱۸۹، ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۱۸-۲۲۱،
 ۲۲۳، ۲۳۸، ۲۸۸، ۲۹۰، ۴۰۵،
 ۴۱۰، ۴۱۸، ۴۳۳-۴۳۴
 آنشلیش، یوسف ۱۸۲
 آنکوف، یوری ۹۴، ۱۸۳، ۲۸۰
 آوریباخ، آیدا لئونیدوونا (همسر یاگودا)
 ۲۸۶-۲۸۷، ۳۱۰، ۳۴۱
 آوریباخ، لئوپولد ۲۹۹-۳۰۰
- ا
- اخماتووا، آنا ۸۶، ۱۳۲، ۱۴۷، ۱۷۲،
 ۲۹۱، ۳۱۳، ۳۶۷
 ارنبورگ، ایلیا ۱۶۶، ۱۸۹، ۳۶۷،
 ۴۲۰-۴۲۱، ۴۳۸
 اریو، ادوار ۱۷۷
 اسپرانسکی، آکسی ۳۰۲، ۳۲۴، ۳۴۴

اسوردلوف، یاکوف ۱۷۳، ۲۸۶	۴۴۴، ۴۱۷، ۴۱۲، ۳۴۸
اگزوپری، آنتوان دو سنت ۳۸۲	اسپیریدونووا، لیدیا ۴۱۴
انگلس، فریدریش ۹۵	استاسووا، النا ۳۰۶
اورژونیکیدزه ۹، ۲۳۸، ۳۰۳، ۴۰۷	استالین، یوسف ۷-۹، ۱۱، ۱۳-۱۴،
اورلوف، الکساندر (لوفلدین) ۳۵۸،	۳۱، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۶۱،
۴۳۱	۲۱۲، ۲۲۵-۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۲-۲۳۳،
اوستروفسکی، الکساندر ۲۸۹	۲۳۷-۲۳۵، ۲۳۹-۲۴۰، ۲۴۳،
اوسورگین، میخائیل ۱۸۴، ۲۱۲-۲۱۳،	۲۴۵-۲۴۶، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴،
اوکسمان، یولیان ۱۱۸، ۱۲۰	۲۶۰-۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۵-۲۷۸،
اولدنبورگ، سرگئی فنودوروویچ ۲۲،	۲۸۴-۲۸۶، ۲۸۹-۲۹۱، ۲۹۳-۲۹۶،
۲۲۸، ۱۳۹، ۱۱۴، ۶۵	۲۹۹، ۳۰۲-۳۰۳، ۳۰۶-۳۰۹،
اولریخ ۳۵۷-۳۵۵	۳۱۲-۳۱۵، ۳۱۸-۳۲۴، ۳۲۸-۳۲۹،
اولیانف، الکساندر ۱۴۹	۳۳۳، ۳۳۵-۳۳۸، ۳۴۰-۳۴۲،
اولیانووا، ماریا (خواهر لنین) ۸	۳۴۵-۳۴۶، ۳۵۰-۳۵۹، ۳۶۱-۳۶۳،
ایبانز، بلاسکو ۱۳۹	۳۶۵-۳۶۸، ۳۷۰-۳۷۹، ۳۸۱،
ایپاتیف، ولادیمیر ۱۳۹	۳۸۳-۳۸۸، ۳۹۰-۳۹۱، ۳۹۳-۳۹۴،
ایتینگون، نائوم ۴۲۸	۳۹۹-۴۰۵، ۴۰۷-۴۱۱، ۴۱۴-۴۱۵،
ایلین، ایوان ۱۸۴	۴۱۷-۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۲۸-۴۳۲،
ایلینسکی، گریگوری ۳۳۸	۴۳۷-۴۳۹، ۴۴۲-۴۴۵،
ایلینشنا، لودمیلا ۴۴۴	استانیسلاوسکی، کنستانتین ۱۹، ۴۸،
اینبر، ورا ۳۳۲	۱۳۴، ۲۳۸، ۳۲۹
اینشتین، آلبرت ۱۸۱، ۲۷۲	استاوسکی، ولادیمیر ۳۳۹
ایوانوف، گئورگی ۱۳۲	استپانوف، ایوان اسکورتسوف ۲۳۷
ایوانوف، وسه وولود ۱۵۹، ۳۲۲،	استپون، فدور ۱۸۴
۴۱۰، ۳۵۲، ۳۳۴-۳۳۳	استترکی، آکسی ۳۳۹
ایوانوف، ویاجسلاو ۱۰۷، ۱۵۹، ۲۱۰،	استندال ۲۳۴
۲۱۸، ۳۳۴، ۳۵۱، ۳۵۳، ۴۳۸-۴۳۹	اسنین، سرگئی ۱۷، ۱۶۶

- ب
 بابل، ایساک ۲۱۴، ۲۴۵، ۳۱۲-۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۸-۳۲۹، ۳۴۶، ۳۶۸-۳۶۷، ۳۸۷، ۴۰۸-۴۰۹، ۴۲۴-۴۲۵
 باخ، آکسی ۴۰۳
 بارانوف، وادیم ۴۲۹
 باریوس، هانری ۱۷۷، ۲۴۲، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۴۶، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۹۶
 بارشوا، لودمیلا ۳۹۰
 باگریانا، الیزاوتا ۳۶۴
 بالمونت، کنستانتین ۲۳۱-۲۳۲
 بتوون ۴۱۱
 براندس، گئورگ ۱۸۱، ۳۶۴
 بربرووا، نینا ۸۲-۸۳، ۸۸، ۹۴، ۱۶۱، ۱۷۸، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۹، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۹۸، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۴
 بردیایف، نیکولای ۱۸۴، ۲۱۰
 برژنف ۱۳۷
 برشت، برتولد ۳۸۷
 برود، ماکس ۳۸۷
 برویویچ، ولادیمیر بونچ ۷۷، ۳۲۰
 بریا، لاورنتی ۱۱، ۴۳۹، ۴۴۳
 بریک، لیلی ۴۰۰، ۴۲۲
 بشر، یوهانس ۳۶۷
 بلاگین، نیکولای ۳۸۲-۳۸۳
 بلبل ← ایوان نیکولایویچ راکیتسکی
- بلوخ، ژان-ریشار ۱۷۷، ۲۶۶، ۳۶۷-۳۶۸
 بلوک، الکساندر ۱۷، ۱۲۰، ۱۳۲-۱۳۴، ۱۴۲-۱۴۴، ۱۴۶-۱۴۸، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۳۲، ۳۰۸
 بوخارین، نیکولای ایوانوویچ ۱۳، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱-۱۸۲، ۲۰۹، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۵، ۲۷۳، ۲۷۶-۲۷۷، ۲۸۰-۲۸۱، ۳۱۳-۳۱۵، ۳۲۹، ۳۳۷-۳۳۸، ۳۴۱، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۰۰-۴۰۴، ۴۰۹
 بودبرگ، ماریا ایگناتیونا ۱۷۱، ۴۰۸
 بودبرگ، نیکولاس ۱۲۸، ۱۳۰
 بودیونی، سمیون ۲۴۵-۲۴۶
 بورنین، نیکولای ۳۹، ۴۱۱
 بوگرینسکی، ماتوی (موتیا) ۲۵۷
 بولگادوف، سرگئی ۱۸۴
 بولگاکوف، میخائیل ۲۳۱، ۳۱۳، ۳۶۷
 بونین، ایوان ۱۷، ۴۷، ۱۵۷، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۵۲، ۳۳۶، ۳۹۰
 بیلی، آندرهی ۱۶۶، ۱۸۹
- پ
 پاراندوسکی، یان ۳۶۴
 پارووس، الکساندر ۱۶
 پاسترناک، بوریس ۱۶۶، ۱۸۹، ۲۶۸، ۲۹۲، ۳۱۳، ۳۶۷-۳۶۹، ۳۷۲، ۳۸۷

پلاتونوف ۳۱۳، ۳۶۷	۲۹۲، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۳۲
پلتنف، دمیتری ۱۰-۱۱، ۳۴۸	پانفروف، فدرو ۳۴۰، ۳۷۲
۴۲۶-۴۲۷، ۴۲۹، ۴۴۳	۳۷۶-۳۷۷، ۴۰۶
پوپوف، ولادیمیر فدوروویچ ۱۶، ۴۳۹	پاولنکو، پیوتر ۴۱۰
پوستیشف، پاول ۳۱۰، ۴۰۷	پاولوف، ایوان ۱۰۱، ۳۰۲، ۴۰۱-۴۰۲
پوشکین ۱۱۸، ۱۳۲، ۲۰۱، ۲۵۹	۴۱۸
۳۷۳-۳۷۴، ۴۳۹	پترس، یان ۸۹، ۹۱
پوکر، کارل ۸۷	پروکوپوویچ، سرگئی ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۸۴
پوگرینسکی، ماتوی ساموییلوویچ	پریشوین، میخائیل ۲۳۹-۲۴۰، ۳۱۱
(مونیا) ۲۷۹، ۳۹۵، ۴۴۳	پشکوف، زینووی آلکسیموویچ
پیلینیاک، یوریس ۱۰۵، ۱۶۶	(اسوردلوف) ۱۷۱-۱۷۴
۲۶۱-۲۶۲، ۲۹۰، ۳۱۳، ۳۶۴، ۳۶۷	۱۷۶-۱۷۷، ۲۲۹، ۲۸۶، ۳۲۹-۳۳۰
	۴۴۰
ت	پشکروا، یکاترینا (همسر اول گورکی)
تاگانسف، ولادیمیر ۱۴۶-۱۴۹	۹، ۳۵-۳۷، ۳۹-۴۳، ۴۵-۵۵
ترتیاکوف ۳۶۷	۸۱-۸۳، ۸۶، ۹۱، ۱۲۱-۱۲۷، ۱۳۰
ترخوف، گتورگی ۱۵۰	۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۸
ترنف، کنستانتین ۲۴۵	۱۵۴-۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۰
تروتسکی، لئون ۲۰، ۶۳، ۹۱، ۱۴۴	۱۷۲، ۱۷۸، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۴
۱۶۱، ۱۸۰، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۲۵	۱۹۷، ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۵-۲۰۶
۲۲۹، ۲۷۶، ۲۹۱، ۳۲۸، ۳۳۲	۲۰۸-۲۱۰، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۸
۳۴۹، ۳۶۳، ۳۷۶، ۴۰۰، ۴۲۸	۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۸، ۲۴۵، ۲۵۰
تریوله، السا ۱۹۳، ۳۶۷، ۴۱۹-۴۱۲	۲۵۹، ۲۸۸، ۲۹۱، ۲۹۸، ۳۴۲-۳۴۵
تسوتایوا، مارینا ۱۶۶، ۱۷۲	۳۴۹، ۳۵۴، ۳۸۹-۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۵
توپولوف، آندره‌ی ۳۸۱، ۳۸۳	۳۹۷-۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۲۳، ۴۳۰
توپولیانسکی ۴۰۲، ۴۲۹	۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۸-۴۳۹
توخاچفسکی، مارشال ۴۲۲	پلاتن، فریتس ۲۲